

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم . بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين.
اللهم صل على محمد و آل محمد. جهت شادی ارواح طيبه شهدا و حضرت امام، همه گذشتگان و ذوی الحقوق، پدر و مادرمان، معلمان و اساتیدمان الفاتحه مع الصلوات.

عرض به محضران که یکی دو نکته عرض بکنم:

اولا امشب را جزو شبهای بسیار مهم قلمداد بکنید؛ امشب در روایات ما جزو شبهای بسیار بسیار مهم است. گاهی اوقات اینجور وانمود شده که شب نوزدهم که زیاد مهم نیست، شب بیست و یکم بهتر است، اصلش شب بیست و سوم است. اما در روایات ما اینجور نیامده است.

درست است که گفته اند اگر واقعا هیچ شبی را نمیتوانی، شب بیست و سوم را دریابید ولی در روایات ما دارد که شب تقدیر شب نوزدهم است، شب ابرام^۱ شب بیست و یکم است و شب امضا و محتوم شدنش در حقیقت شب بیست و سوم است^۲. لذا شب نوزدهم شبیه این چک نویس ها و این پیش نویس هایی است که در مجلس می نویسند و از کمیسیون مجلس به صحن می آید، بالاخره آنچه که از کمیسیون به صحن آمده خیلی مهم است. یعنی درست است که هنوز به آن رای نداده اند و اگر رای بیاورد تصویب و ابرام می شود و بعدش مراحل امضاء و نظر شورای نگهبان و بعد برود روزنامه رسمی بشود، وگرنه آن چیزی که از کمیسیون می آید به سمت صحن چیز مهمی است .

سوال: ما تغییر در مقدرات داریم؟

پاسخ: بله که داریم؛ یعنی در لوح محو و اثبات چون تاثیر دارد، به همین دلیل در اثبات تاثیر دارد.

سوال: آیا تقدیر خدا معطل دعای ماست؟

پاسخ: بله تقدیر خدا معطل دعای ماست. مثل این می ماند که به شما بگویند که به هر جهت آن هدیه دادن منوط به درس خواندن است؛ خب این چیز عجیبی نیست؛ آن لطف خدا منوط به این است که طرف نماز شب بخواند نماز صبحش را بخواند و...
یک بحثی هست که اگر چیزی نخواستن در انسان حالت تکبر و تبختر ایجاد کند و بگوید من چیزی نمیخواهم! این خب نیست. اما یک موقع هست حالش ، حال چیزی نخواستن است:

وفدت علی الکریم بغیر زاد من الحسنات و القلب السلیم^۳

اگر واقعا یک همچین حالی دارد ، مطابق با همین حالش عمل کند.

در روایت کافی دارد که امام صادق ع فرمودند: التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ وَالْإِبْرَامُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَالْإِمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ . ؛ اندازه گیری و تقدیر امور در شب نوزدهم انجام می شود و سپس در بیست و یکم ، ابرام و مهیا برای امضا می گردد و آن گاه در شب بیست و سوم ، امضا خواهد شد.

این مهم است که تقدیر در شب ۱۹ ماه مبارک است. این شب را خیلی ویژه بدانید چون از کمیسیون بررسی شده و داخل صحن می آید و بقیه اش چکش کاری هایش محسوب می شود.

آداب امشب :

۱. حتما غسل کنید چون این بحث به طهارت خیلی مرتبط هست.

^۱ اصرار، پافشاری

^۲ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ :التَّقْدِيرُ فِي لَيْلَةِ تِسْعَ عَشْرَةَ وَالْإِبْرَامُ فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَالْإِمْضَاءُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ. زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: تقدیر در شب نوزدهم، ابرام (محکم و استوار نمودن) در شب بیست و یکم و امضا در شب بیست و سوم صورت می گیرد. ترجمه فروع کافی: ج ۳ ص ۳۶۱

^۳ "بدون هیچ توشه ای از حسنات و قلب سلیم بر شخص کریمی وارد شدم." مشهور است که این شعر را امیرالمومنین ع سروده و روی کفن سلمان فارسی نگارش فرموده اند و لذا برخی فقهای معاصر، حکم به استحباب نگارش آن روی کفن داده اند.

۲. زیاد استغفار کنید.

۳. زیارت امام حسین بخوانید یا سلام بدهید.

۴. صدقه ی درست و حسابی بدهید.

۵. احیاء و قرآن به سرگرفتن و دعا کردن و مناجات کردن هم که قاعده اش در شب قدر هست و معمولاً اگر جایی بروید، در مجلس رفتن یک حسنی دارد که بالاخره حال نفوسی که در نفس انسان می گذارند خوب است و اگر می توانید حتماً مجلس بروید.

استغفار، صدقه، زیارت امام حسین، نماز خواندن، غسل کردن.

نماز استغفار^۴ را بخوانید چون نماز معراج مؤمن است. ۵ دقیقه طول می کشد و حتماً این ها بی تاثیر نیست.

یک نکته راجع به کتاب مبین ، صفحه ۴۴۹ را بیاورید: سوره مبارکه یس

"إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ"^۵

ما آنچه که پیش فرستادید و پیامدهایش را می دانیم و همه چیز را احصاء در امام مبین کردیم که این امام مبین همان کتاب مبین هست و در حقیقت این جا مقام امام هست که همه چیز در حقیقت امام جمع شده، برای همین است که شب قدر شب مخصوص امام هست چون مربوط به کتاب مبین هست و کتاب مبین در واقع همان امام مبین است.

آن (کتاب مبین) بحث ثبتي اش هست و این (امام مبین) بحث وجود نوری انسانی قضیه است که می شود اهل بیت ع. این همان است که

می فرماید: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ.^۶

یعنی این دو جدا نمی شوند و در حوض هم به هم می رسند. اینها همین مقام حوض است - که در مقام دیگری برایتان توضیح میدم- که

امام مبین از یک طرف و کتاب مبین از یک طرف به همدیگر رسیدند و شدند یک حقیقت. اینجا همان مقام هست که یکتایی و یکسانی اش دیده می شود: وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ.

برای همین در روایت کافی هست : قال رسول الله آمِنُوا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ إِنَّهَا تَكُونُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ لَوْلَدِهِ الْأَخْدَ عَشَرَ مِنْ بَعْدِي^۷

ایمان بیاورید به ليله القدر، چون مربوط به امام هست؛ برای علی بن ابی طالب است و ۱۱ فرزند علی بن ابی طالب هست و این به ولایه اختصاص پیدا کرده است.

یک نکته در پرانتز:

(اینکه شما فرمودید از آیه قرآن که : "وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا"^۸

این چه عجله ای بود که پیامبر داشتند؟ ما یک عجله داریم که کار شیطان است و یک عجله ای داریم که در خود قرآن ممدوح است و آن عجله ی هدایت و حرص و جوش هدایت است. چون تا این بصورت قرآن عربی نیاید، قابلیت تأمل ندارد، مثل ایجاد یک نردبان هست و تا این نردبان را ایجاد نکنیم کسی نمی تواند از آن بالا برود. باید چنین قرآنی بیاید و پیامبر تعجیل داشتن در اینکه این هدایت بیاید، مثل کسانی که عاشق آموزاند هستند، بعضی ها هستند که عاشق آموختن اند و بعضی ها عاشق آموزاند هستند و من خودم اینگونه هستم.

^۴ طریقه خواندن نماز استغفار: در هر رکعت، یک بار حمد، و یک بار سوره قدر را بخواند. بعد از خواندن این دو سوره، ۱۵ بار فقط بگو: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. سپس در رکوع، ۱۰ بار فقط بگو: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. بعد از بلند شدن از رکوع، ۱۰ بار بگو: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. در هر دو سجده، ۱۰ بار فقط بگو: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. بعد از هر دو سجده، ۱۰ بار بگو: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ.

^۵ سوره مبارکه یس، آیه ۱۲

^۶ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَنَّهُ قَالَ: إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي ، وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْضَ: من در میان شما به جای گذارم ثقلین را، که تا بدانها تمسک کنید هرگز گمراه نشوید. کتاب خدا و عترتم اهل بیت و خاندانم که آن دو هرگز از هم جدا نشوند تا بر سر حوض (کوثر) بر من وارد شوند.

تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد ۲۷، صفحه ۳۳

^۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله باصحابش فرمود: به شب قدر ایمان آورید که آن مخصوص علی بن ابی طالب و یازده فرزند او می باشد بعد از من. اصول کافی / ترجمه

مصطفوی؛ ج ۲ ص ۴۸۱

من نکته ای یاد نمی‌گیرم مگر اینکه دوست دارم به بقیه بگویم و مطلب در سینه ام بالا پایین می‌شود تا اینکه آن را یاد بدهم. این عشق هدایت کردن است همانطور که در سوره مبارکه طه، صفحه ۳۱۷، آیه ۸۳ داریم: "وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى" چه چیز تو را باعث شد که عجله بکنی ای موسی؟ که اینطور آمدی سمت دیدار من؟ "قَالَ هُمْ أَوْلَاءِ عَلَى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى": گفت آن ها هم دارند می‌آیند. من عجله کردم تا تو راضی بشوی؛ یعنی این عجله رضایت درست کرده است. این عجله ممدوح است و مذموم نیست. حالا ممکن است بگویند که حالا صبر کن تا وقتش برسد، اما عجله‌اش عجله‌ی کار شیطان نیست.

یک نکته ای را عرض کردیم در باب شب قدر که شب نزول کتاب مبین است. این کتاب مبین در قرآن یک ادبیات دارد که به ادبیات های دیگر قرآن هم می‌خورد و این ها یک شبکه معانی اند که به همدیگر وصل می‌شوند.

پس فعلاً تا اینجا این را گفتم که قرآن در کتاب مبین می‌رود؛ قرآن جزئی از کتاب مبین است. قرآن آن چیزی است که قَرَأَ هست؛ خواندنی است. باز می‌شود و نه تنها قرآن هست که باز می‌شود و تفریق می‌شود و آیاتش ایجاد می‌شود هرچی مقدرات است و هرچی رطب و یابس هست در عالم، همگی باز می‌شود. طبق آیات قرآن توضیح می‌دهم تا شما با فرهنگش آشنا بشوید و بعدش با شیوه ی هستی آشنا بشوید: باز کنید صفحه ۱۳۴ آیه ۵۹ سوره مبارکه انعام:

در حقیقت خیلی بحث های علم را به این بحث ها گره می‌زند؛ یعنی علم پروردگار را وقتی می‌خواهد به رخ بکشد به واسطه ی همین احاطه و به واسطه‌ی همین مقام لوح محفوظی و کتاب مبینی و علمش به آن کتاب مبین به رخ می‌کشد و این باعث می‌شود علم در تمام مراتب تسری پیدا بکند، به دلیل اینکه علم احاطی است، علم احاطی چیست؟ تمایز احاطی چیست؟ اینها بحث هایی است در عرفان که کسانی که با من بودند این بحث ها را دیدند.

"وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ"^۹

در عند (مقام عند و عندالمقامات) یک مفاتیح الغیبی وجود دارد؛ کار مفتاح چیست؟ مفتاح باز می‌کند؛ آنجا یک غیبی هست و مفتاحی دارد که خود خدا می‌داند و باید باز بکند و غیب بیرون بریزد که این غیب در عند است؛ فقط خود خدا می‌داند و کسی غیر او نمی‌داند. اینجا مفاتیح غیبی در عند هست که این عند بدلیل حالت باقی بودنش از آنجا کلید را می‌زند و غیب بیرون می‌ریزد. در کتاب مبین هیچ رطب و یابسی نیست که نباشد، "مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ" یعنی حتی تا این حد با جزئیات هست نه اینکه فقط کلیاتی از همه چیز باشد. جزئیات همه چیز در کتاب مبین بصورت محکم یعنی بصورت بسته شده اش هست که این در شب قدر وقتی که می‌خواهد پایین بیاید با تمام جزئیاتش پایین می‌آید. اینکه کلا تو کلاس چندم می‌روی یا کلا شما سفر فلان را می‌روی نه اینگونه نیست که فقط اتفاقات را بطور کلی داشته باشد، بلکه با تمام جزئیاتش هست. برای همین هم هست که در روایت امام صادق (ع) اینگونه دارد:

"اللَّيْلَةُ الَّتِي يُفْرَقُ فِيهَا كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ يُنْزَلُ فِيهَا مَا يَكُونُ فِي السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ أَوْ أَمْرٍ أَوْ مَوْتٍ أَوْ حَيَاةٍ وَيُكْتَبُ فِيهَا وَقْدُ مَكَّةَ فَمَنْ كَانَ فِي تِلْكَ السَّنَةِ مَكْتُوباً لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَخْبَسَ وَإِنْ كَانَ فَقِيراً مَرِيضاً وَمَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهَا مَكْتُوباً لَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَحْجُجَ وَإِنْ كَانَ غَنِيّاً صَحِيحاً"^{۱۰}.

(شب قدر) آن شبی است که امر حکیم فرق پیدا می‌کند و باز می‌شود، در سال تا مثلث یعنی تا سال بعد، همه چیز معلوم هست تا جایی که گروهی که دارند می‌روند مکه کاروان هایشان، رئیس کاروان و همه چیز معلوم است. بعد محتوم میشود به این معنا که اگر شخص در آن سال برایش مکتوب شده باشد که حج برود، اصلاً نمی‌تواند نرود ولو که فقیر مریض باشد و اگر کسی برایش مکتوب نباشد ولو که صحیح غنی باشد نمی‌تواند برود.

اینها ادبیاتی است که بهم مربوط می‌شوند. این کتاب مبین همان چیزی است که در لوح محفوظ می‌نویسند.

^۹ و کلیدهای غیب فقط نزد اوست، و کسی آنها را جز او نمی‌داند. و به آنچه در خشکی و دریاست، آگاه است، و هیچ برگی نمی‌افتد مگر آنکه آن را می‌داند، و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر آنکه در کتابی روشن ثبت است.

^{۱۰} بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۴۲

مثالی که برای این بحث زده بودم مثال جوهری بود که سر قلمی هست و شروع به نوشتن می کند. البته بذر هم مثال درستی است؛ در بذر همه ی گیاه با همه تراتیبش وجود دارد، منتها بسته است، یعنی از ابتدا معلوم است که ریشه پایین می آید ساقه بالا می رود و... کتاب مبین با لوح محفوظ تقریباً در قرآن یک مفهوم است. حالا نشان می دهیم این مطلب را و می خواهیم این بحث را تکثیر کنیم تا شما ببینید که این بحث یکی دو آیه هم نیست:

صفحه ۲۱۵ سوره مبارکه یونس، آیه ۱۱۶

"وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ"

هیچ کاری نیست که شما واردش شده باشی، قرآنی خوانده باشی، عمل انجام داده باشی "إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ" مگر اینکه ما بر شما شهودیم، شاهدیم یعنی همان لحظه همانجا هستیم و همان طور که دارید وارد بر آن می شوید ما همانجا داریم علم پیدا می کنیم؛ این همان علمی است که به آن علم های احاطی می گویند. "وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ". نه اینکه ما کلیات را می دانیم یا گزارش هایی می دانیم. آن موقع این هست که اگر کسی به این نقاط برسد اولیاء الله تام می شود. برای همین آیه ی بعد میگوید: "أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ"^{۱۱}. ولی، به معنای این است که درست پشت سرش است. کسی است که دارد دسترسی به حقایق کتاب مبین پیدا می کند.

صفحه ۲۲۱ سوره مبارکه هود:

این سوره از ابتدا یک عبارت هایی دارد که عبارت های مهمی هست در این بحث: "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرِّكَابُ أَكْثَمُ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ"^{۱۲} یک کتابی که آیاتش محکم است، این محکم در مقابل مفصل است. بعد تفصیل داده می شود یعنی از کتاب مبین که همه ی اینها محکم و بسته است، از پیش خدای حکیم خیر تفصیل داده می شود. لدن و عند و لدینا و اینها تقریباً دارد به یک مقام اشاره می کند، از آنجایی که حکیم و محکم و بسته است دارد پایین می آید. "وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ"^{۱۳}.

وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ یعنی خدا به هر ذی فضلی فضل خودش را می دهد. اینجوری نیست که کسی بگوید مقدرات ما را اینجوری کردند. خیر مقدرات ما را خدا اینجوری نکرده، ما خودمان اینجوری بودیم، اینجوری شدیم. ما خودمان اینجوری بودیم. فضل خودش را به خودش می دهد. بعبارتی این از جیب خودت است و خودت اینجوری هستی. ما خودمان با تمام استعدادمان خواستیم همینجوری باشیم. برای همین است که "اتاكم من كل ما سألتموه". هرچه را که ما از خدا بخواهیم به زبان استعداد به ما می دهد. خدا هرچه که ما استعدادمان باشد به ما می دهد و بیش از استعداد هم به ما نمی دهد و آنچه که می دهد ظرفیت خودمان است و اصلاً خودمانیم و این زبان استعداد است نه زبان حال و قال. که بحثهایش مفصل است و همه ی بحث ها را اینجا نمی توانم بگویم.

"أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُغْلِبُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ"^{۱۴}

آن موقعی که جامه اش را به سرش می کشد تا توطئه ای بکند: "يعلم ما يسرون و ما يعلنون" یعنی در حین عمل این را می داند.

"وَمَا مِنْ ذَاتَةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ"^{۱۵} هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه رزقش بر گردن خداست و خدا مستقرش یعنی قرارگاهش را می داند و مستودعش یعنی قرارگاه موقتش را که از کجا می رود و می آید و چه چیز هایی را رها می کند و چه چیزهایی همیشه همراهش هست همه را خدا می داند و این ها "كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ". گفتم هر جا کتاب مبین را می آورد بحث از علم را پیش می آورد.

^{۱۱} وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ ۚ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

^{۱۲} سوره مبارکه یونس، آیه ۶۲

^{۱۳} سوره مبارکه هود، آیه ۱

^{۱۴} همان، آیه ۳

^{۱۵} همان، آیه ۵

^{۱۶} همان، آیه ۶

"يَعْلَمُ مَا تَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا تَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ"

"وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ"^{۱۷}

کفار گفتند که قیامت بر ما نخواهد آمد، در حقیقت این بر شما خواهد آمد، این ها هر کدام بحث های لطیفی دارد، عالم الغیب بر شما خواهد آمد.

باز در انتها عبارت کتاب مبین آمده است.

صفحه ۴۸۹ سوره مبارکه زخرف، آیه ۱ تا ۳

"حَمْدُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ"

ما قرآن را عربی کردیم که بشود روی آن تعقل کرد، یعنی آن را پایین آوردیم و همین قرآن در ام الکتاب در نزد ما علی حکیم است؛ یعنی بزرگ و حکیم و محکم و بسته شده است. چرا کتاب مبین را ام الکتاب می گویند؟ چون مادر است و احترام مادر واجب است. یعنی همه چیز از ام می آید، برای همین است که از کتاب مبین به ام الکتاب هم یاد می شود چون اصل و ریشه است. همه چیز از آنجا باز می شود. لذا آنچه که قرار است اتفاق بیفتد نزول کتاب مبین به شیوه ی قرآن است و تمام مقدرات آنجا باز می شود. واقعا قرآن قابل تحدی است، کدام کتابی است که اینقدر همه ی مطالبش بهم مرتبط است؟

(برای فهم مطالب عمیقتر نیاز به مقدمه و تمرین هست. از ائمه ع پرسیدند که هر سال که قرآن بر پیامبر نازل می شده آیا علم پیامبر هم بالاتر می رفته؟ گفتند به اندازه ی فهم و درک خودت حرف بزن.)

یک نکته: صفحه ۲۵۴ سوره مبارکه رعد آیه ۳۸ و ۳۹ و صفحه ۱۲۸ و صفحه ۲۵۰ را نگاه کنید:

"وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ"

لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ یعنی هر زمانی یک نوشته ای دارد، هر قسمت زمان ها معلوم است که چه چیزی است؟

"يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ"

آیا این نوشته ای که هست محتوم است؟ خیر، خدا یک چیزهایی را محو می کند و اثبات می کند، یعنی یکسری مراحل را انجام می دهد، محوها

را انجام می دهد و اثبات ها را انجام می دهد و مثل مجلس می رود به صحن تا رأی نهایی را بدهد.

"مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ": عند، یک مقام است؛ یک لوحی داریم که لوح محو و اثبات هست و در این جا دعا تاثیرگذار است و با تمام اینکه شما دعاهایی می کنید چون مقام عند اساسا تغییر پذیر نیست، برای همین سبق کتابی از آن بالا درست می کند؛ ولی به این معنا نیست که چون سبق کتابی هست، محو و اثبات نیست. جنس لوح محفوظ و ام الکتاب، از جنس مقام عند است. چون عند مقام باقی است مقام عند الله باقی است و تغییر پذیر نیست، این ها با تمام دعاهایی که شده و محو و اثبات هایی که شده پیشاپیش در آنجا مشخص است. البته پیشاپیش معنا نمی دهد چون سبق کتابی اصلا سبق زمانی نیست.

در آیه ی ۸ سوره ی رعد دارد که: "اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ"

هرچیزی در عند مقدار دارد یعنی معلوم است و در آنجا قدر شده و اندازه شده و برای همین است که در سوره ی مبارکه انعام صفحه ۱۲۸

آیه ی ۲ می فرماید: "هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ"

"قضی اجلا" این همان اجل معلق است که قضی شده و اجل مسمی در عند است (چون عنده خبر است برای اجل مسمی) و این اجل مسمی همان چیزی است که قابل تغییر نیست. اینکه یک موقعی گفتم کسی با اجل معلق نمی‌میرد معنی اش همین بحث است، یعنی آخرش این اثباتی که می‌خواهد "يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ" بالاخره اجل معلق تطبیق می‌شود به اجل مسمی. لذا دعاهاى افراد آخرش چیزی که می‌شود همان مقدر سبق کتابی اش است و نه سبق زمانی، چون آنجا جای تغییر وجود ندارد.

برای همین صفحه ی ۵۹۰ را ببینید: آیات پایانی سوره مبارکه بروج: "بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ" این محیط بودن من وراءهم، اینجوری است که قرآن مجید در لوح محفوظ است؛ احاطه ی وجودی حضرت حق بر همه چیز اینجوری است.

(در پاسخ به سوال مستمعین: چیزی که ماده و اتصال مادی ندارد اساسا زمان ندارد و مکان هم ندارد. این است که سبق کتابی سبق زمانی نیست مثلا این که ۲ جلوتر از ۳ است این زمانی است. ما چون آنقدر با زمان کار کردیم فکر می‌کنیم هرچیزی را باید در قالب زمان بیاوریم. الان تقدم های رتبی مثل این است که شما کلید را می‌چرخانید قفل می‌چرخد خب کدام زودتر می‌چرخد؟ کلید زودتر می‌چرخد یا قفل زودتر می‌چرخد؟ می‌گویید خب هیچکدام، با هم می‌چرخند ولی در واقع اول کلید می‌چرخد بعد قفل می‌چرخد، اول دست می‌چرخد بعد قفل می‌چرخد. این ها بر همدیگر تقدم های رتبی دارند. در فلسفه این تقدم ها را بحث می‌کنند: تقدم های زمانی، تقدم های رتبی، تقدم های دهری یعنی دهرهایی بر دهرهای دیگری مقدم است.

در شب قدر همین کارهایی که گفته شده یعنی: استغفار، سجده، غسل، نماز را انجام بدهید و توجه کنید که الان من دارم مفهوش را می‌گویم. از آنجا که خدا این ها را گفته و خاصیت های خاصی را از اینها مد نظر قرار داده است.

صفحه ۵۴۰ سوره مبارکه حدید آیه ۲۲:

“مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ”

کلا در همه ی آیاتی که کتاب مبین و اینکه همه چیز در کتاب مبین هست مطرح می‌شود و آیات مربوط به امام مبین، بحث سبق کتابی مطرح می‌شود ولی در این آیه ۲۲ بحث سبق کتابی پررنگ شده است.

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

جالب است که قلم و سطر و نوشتن و مجموعه ای از این حرف ها را دارد قبل از آنکه باری باشیم و اینها را بیرون بریزیم إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ یعنی خیلی چیز ساده ای هم هست.

اصلا برای چه دارم اینها را می‌گویم: "لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ" انسان هر وقتی به یک بحثی اگر توجه بکند مهم است؛ مثلا فرض بفرمایید الان برای من یک مصیبتی پیش آمده به چه توجه بکنم خوب است؟ به اینکه اگر با دیگرانش بود میلی چرا ظرف مرا بشکست لیلی؟! توجه به اینکه من را می‌خواهد رشد بدهد. الان توجه به یک معرفت دیگری در مصیبت ها داروی مناسب نیست. سبق کتابی به درد مصیبت می‌خورد، اینکه شما توجه بفرمایید که این از قبل بوده و قرار بود من مریض بشوم؛ در حقیقت در ناصیه ی ما نوشته که اینجور بشود این اتفاق قرار بود بیفتد. خدا اینجور دیده که وقتی یک چیزی به شما وارد شد آنقدر شما را متلاطم و تاسف وار نکند و از آن طرف اگر چیزی به شما دادند شما را از حالت عادی خارج نکند این یک چیزی بوده که بوده! ببینید دیدن فوتبال های بازپختی چه حالی ایجاد می‌کند؟ خدا این حال را می‌خواهد. فوتبال های بازپختی را شما چنانچه نگاه بکنید حتی اگر نتیجه را ندانید باز هم چندان هیجان ندارد کافی است آن بالا بازپخش نوشته باشد، اگر نتیجه را هم ندانید نگاه می‌کنید حتی اگر تیم محبوبتان باشد اما دیگر هیجان ندارید خدا این حال را می‌خواهد: حال بی هیجان. حالا اگر همین معرفت را خرج تنبلی خودتان بکنید، این حال چون کمی آدم را بی حس می‌کند می‌تواند به تنبلی هم بکشد. در مقابل نعمت هم همینجور است؛ شخص شیدا تلاش خود را بکند ولی آنقدر دیگر هیجان نداشته باشد. هر معرفتی می‌تواند اثر جانبی و فرعی تولید بکند مثلا بحث استفاده از نعمات الهی می‌تواند سبب اسراف شود این بحث های توحیدی و سبق کتابی می‌تواند آدم را تنبل بکند.